

پدر بد



داستانی برای تمام پدرها
و تمام پسرها



سرشناسه	: ویلیامز، دیوید، ۱۹۷۱-م.
عنوان و نام پدیدآور	Walliams, David
مشخصات نشر	: پدر بد: داستانی برای تمام پدرها و تمام پسرها/ دیوید ویلیامز؛ مترجم نوگل رازقی؛ ویراستار بابک حقایق.
مشخصات ظاهری	: تهران: امروز ما: قاصدک صبا، ۱۳۹۸.
شابک	: ۲۸۲ص: مصوره: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
وضعیت فهرست نویسی	: 978-622-96373-1-9
یادداشت	: فیبا
موضوع	: عنوان اصلی: Bad dad, c2017
موضوع	: داستان‌های نوجوانان (انگلیسی) - قرن ۲۱.م.
موضوع	: Young adult fiction, English-- 21st century:
ناسه اف: ده	: رازقی، نوگل، ۱۳۵۶- مترجم
رده بندی کنگره	: PZY
رده بندی دیویی	: [ج] ۸۲۳/۹۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۹۲۵۲۹۲



پدر بد

داستانی برای تمام پدرها و تمام پسرها



سر امروز
نویسنده دیوید ویلیامز
مترجم نوگل رازقی
ویراستار بابک حقایق
ناظر فنی اسماعیل سهرابی
طراح جلد استودیو ۴۰ میخ (نظم صدر)
صفحه‌آرایی استودیو ۴۰ میخ (پرسا - بیم - نوید)
حروفچینی امروز ما
لیتوگرافی باختر
نوبت چاپ اول، اسفند ۱۳۹۸
شمارگان ۶۰۰ نسخه
شابک ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۳۷۳-۱-۹
قیمت ۶۲۰۰۰ تومان

(گروه سنی کودک و نوجوان)

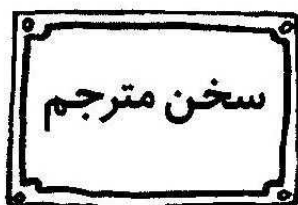
مرکز پخش: تهران - خیابان انقلاب - خیابان فخر رازی - کوچه ماستری فراهانی - پلاک ۲۱
تلفن: ۰۶۶۹۷۴۷۲۸ - ۰۶۶۴۸۶۴۰۴ - ۰۲۱
Instagram: Ghasedakesaba_Pub
کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ می باشد.

فهرست

۱۳	سخن مترجم
۳۱	فصل اول: غرش!
۴۰	فصل دوم: خارج از کنترل
۴۵	فصل سوم: تصادف
۴۹	فصل چهارم: مردان خشن
۵۷	فصل پنجم: قفس سری
۶۳	فصل ششم: بوی کتاب‌های قدیمی
۷۱	فصل هفتم: مرگ یک شرور
۷۶	فصل هشتم: راهبه‌ی پرنده
۸۳	فصل نهم: یک شغل
۸۷	فصل دهم: فرصت نفس کشیدن نیست
۹۰	فصل یازدهم: دو تا چرخ بهتر از چهار تا چرخ!
۹۷	فصل دوازدهم: حال خراب
۱۰۳	فصل سیزدهم: صدای انفجار
۱۰۷	فصل چهاردهم: قول
۱۱۱	فصل پانزدهم: سرودهای مذهبی و پینگ پونگ
۱۱۸	فصل شانزدهم: چای بی‌رنگ و بو
۱۲۳	فصل هفدهم: افتادن در چاه!
۱۲۷	فصل هجدهم: شلوار
۱۳۴	فصل نوزدهم: یک هشدار

۱۳۹	فصل بیستم: آدامس موزی
۱۴۵	فصل بیست و یک: زرد حال به هم زن
۱۵۰	فصل بیست و دو: اعتماد
۱۵۵	فصل بیست و سه: چرخ دستی
۱۶۳	فصل بیست و چهار: هیولاهای تاریکی
۱۶۷	فصل بیست و پنج: صدای انفجار!
۱۷۴	فصل بیست و شش: تعقیب و گریز آتشین
۱۷۹	فصل بیست و هفت: گل!
۱۸۵	فصل بیست و هشت: یک جنگ تمام عیار
۱۹۱	فصل بیست و نه: رانندگی نیست
۱۹۴	فصل سی ام: شمشیر عکود
۱۹۷	فصل سی و یک: آشوب در شهر
۲۰۲	فصل سی و دو: هر چیزی که بالا می ره اید باد پایین
۲۰۷	فصل سی و سه: بد اخلاقی
۲۱۳	فصل سی و چهار: مُزد تبه کاری
۲۱۹	فصل سی و پنج: بوی عطر
۲۲۴	فصل سی و شش: پول
۲۲۸	فصل سی و هفت: متلاشی شدن مغز
۲۳۳	فصل سی و هشت: ایست!
۲۳۷	فصل سی و نه: شبی در سایه
۲۴۲	فصل چهل: کلیسای خالی
۲۴۸	فصل چهل و یک: مُجرم
۲۵۱	فصل چهل و دو: هیچ کس نه نمی گه
۲۵۴	فصل چهل و سه: پنیر بوگندو

۲۵۹	فصل چهل و چهار: عطسه
۲۶۵	فصل چهل و پنج: نقشه‌ی بی عیب و نقص
۲۶۹	فصل چهل و شش: معما
۲۷۶	فصل چهل و هفت: این غاز رواز کجا خریدی
۲۸۰	فصل چهل و هشت: رانگفوت
۲۸۸	فصل چهل و نه: ضربه!
۲۹۲	فصل پنجاه: هفت برادر
۲۹۷	فصل پنجاه و یک: گورستان ماشین‌ها
۳۰۵	فصل پنجاه و دو: خردکن
۳۰۸	فصل پنجاه و سه: تاریک و ترسناک
۳۱۳	فصل پنجاه و چهار: آرزوگو
۳۱۷	فصل پنجاه و پنج: ریشله‌اری نااه
۳۲۱	فصل پنجاه و شش: مامان با اسلحه
۳۲۵	فصل پنجاه و هفت: هیولاهای ترسناک
۳۳۰	فصل پنجاه و هشت: یک تیر و دو نشان
۳۳۶	فصل پنجاه و نه: سوسیس‌های سوخته
۳۴۲	فصل شصت: خشم
۳۴۶	فصل شصت و یک: سروصدای مردم
۳۵۲	فصل شصت و دو: دستگیری خلافکارها
۳۵۵	فصل شصت و سه: میوه‌های گندیده
۳۶۱	فصل شصت و چهار: حقیقت
۳۶۶	فصل شصت و پنج: هنرنمایی فرانک
۳۷۲	فصل شصت و شش: جایی برای نشستن نیست
۳۷۹	فصل شصت و هفت: آرزو



دوستان عزیزم، سلام.

من به عنوان مترجم کتاب پدر بد نوشته‌ی آقای دیوید ویلیامز در اینجا لازم دانستم تا چند ماهی در این باره با شما صحبت کنم.

ابتدا وقتی شروع به ترجمه‌ی این کتاب کردم، تصورم بر این بود که با کتابی کودکانه و پراز حوادث شیرین و پندآموز روبه‌رو هستم. اما طولی نکشید که از همان صفحات اول داستان مترجم چیزی و رای یک کتاب ساده‌ی کودکانه شدم.

این داستان به قدری تأثیرگذار و پندآموز است که خواندنش نه تنها به کودکان بلکه به تمامی گروه‌های سنی توصیه می‌شود. در اینجا نمی‌خواهم به شرح اتفاقات داستان بپردازم، بلکه قصد دارم قدری زاج‌های آن که حین ترجمه و خواندن این کتاب تجربه کرده‌ام را با شما نیز در میان بگذارم.

داستان پدر بد مرا به یاد تمامی پدران، من جمله پدر خودم که سال‌هاست از لذت بودنش محروم هستم، انداخت. هرگاه اسم پدر به میان می‌آید، اولین چیزی که در ذهن ما شکل می‌گیرد، حمایت، مهربانی و رفع نیازهای مادی است. پدران ما همیشه بزرگ‌ترین حامیان ما در زندگی هستند و این قضیه بر هیچ‌کس پوشیده نیست. اما آیا تا به حال فکر کرده‌اید که این پدران

دوست داشتنی نیز شاید گاهی نیاز به کمی حمایت و محبت فرزندانشان داشته باشند؟ خواندن این داستان سبب شد تا من به عنوان یک مخاطب به این فکر بیفتم که واقعاً چرا همیشه پدران باید حامی و پشتیبان ما باشند؟ بد نیست که ما بچه‌ها از همان دوران کودکی یاد بگیریم که گاهی خودمان هم از این مردان فرشته صفت حمایت کنیم. هنگامی که در کنارشان می‌نشینیم، به جای بیان مسلسل‌وار خواسته‌های مان کمی هم خواسته‌های آن‌ها را جویا شویم. پدران ما انسان‌های بی‌توقع و شجاعی هستند که در سخت‌ترین روزهای زندگی همیشه همراه مان بوده‌اند. در حقیقت ما به پشت‌گرمی آن‌هاست که روی پاهای مان می‌ایستیم و در جاده‌ی پرپیچ‌وخم زندگی قدم می‌گذاریم. اگر حضرات را رها نبود، رویاهای ما به حقیقت نمی‌پیوست.

با خواندن کتاب پدربید، ما به روابط عجیب پدر و پسر و وارد می‌شوید که دلتان می‌خواهد هر لحظه در درازای آن‌ها بگذارید و این عشق عمیق را به تمامی سلول‌های بدنتان منتقل کنید پس همین حالا این کتاب را به دست بگیرید و به عشق پدرانمان، تمامی جملاتش را با دل و جان بخوانید. سپس جسورانه بایستید و از تک‌تک محبت‌ها و حمایت‌های شان قدردانی کنید، به خاطر حضورشان از خداوند سپاسگزار باشید تا ابد رفیق راه‌شان باقی بمانید.

بیایید هوای پدرانمان را داشته باشیم که در این روزهای پیچ‌وخم حواسش به این انسان‌های نازنین نیست.

تقدیم به تمامی پدران دوست داشتنی

نوگل رازقی